

ترجمه‌هایی از "پل میرابو" آپولینر

شعر معروف "پل میرابو" اثر گیوم آپولینر (۱۹۱۸-۱۸۸۰) سالها پیش (احتمالاً در دهه ۱۳۳۰) با ترجمه زنده‌یاد دکتر پرویز خانلری در مجله سخن منتشر شد. چنان‌که می‌بینیم آن زنده‌یاد قالبی موزون برای ترجمه شعر برگزیده و کوشیده است متن شعر را تا حد امکان بدون حذف یا افزودن، در آن قالب بگنجاند. ترجمه دیگری از این شعر را شاعر معاصر م.ع. سپانلو در کتاب *گیوم آپولینر در آئینه آثارش* به دست داده است. سپانلو در توضیح روش خود در ترجمه اشعار آپولینر می‌گوید: "من بر آنم که ترجمه شعر در حقیقت خلاقیتی جداگانه می‌طلبد. به یک تعبیر ترجمه شعر تسعیر واژگان از زبانی به زبان دیگر نیست، یعنی ریال نمی‌دهیم که فرانک بگیریم، بلکه نوعی دادوستد تهاوتی است، مثلاً الماس می‌گیریم و پرنده می‌دهیم. نمود موفق چنان ترجمه‌ای را در خلاقیت مشهور، فیتزجرالد بر اساس رباعیات خیام می‌توانیم دید... مترجم در زبان خود حادثه‌ای پدید آورده است، پس دیگر مهم نیست که عین تعبیر و تصاویر اصلی را به آن زبان برگرداند. اما اگر مترجم در تقبل چنین نقش دشواری ناتوان است، باید خود را فراموش کند، اسلوب شخصی خود را هرچه کم‌رنگ‌تر سازد و به نقش رابط امین و بی‌ادعایی قناعت کند. یعنی بکوشد که جملات او همچون شیشه شفافی فقط تصویرها و مضمون‌های اولی را به خواننده زبان دوم نشان بدهد." (پاسکال پیا، *گیوم آپولینر در آئینه آثارش*، ترجمه م.ع. سپانلو، ۱۳۷۲، ص ۳۲۶).

بررسی این دو شیوه ترجمه می‌تواند دست کم بسیاری نکات را درباره ترجمه شعر مطرح کند و امیدواریم خوانندگان صاحب‌نظر ما را در این زمینه یاری کنند.

LE PONT MIRABEAU

Sous le pont Mirabeau coule la Seine
Et nos amours
Faut-il qu'il m'en souvienne
La joie Venait toujours après la peine

Vienne la nuit sonne l'heure
Les jours s'en vont je demeure

Les mains dans les mains restons face à face
Tandis que sous
Le pont de nos bras passe
Des éternels regards l'onde si lasse

Vienne la nuit sonne l'heure
Les jours s'en vont je demeure

L'amour s'en va comme cette eau courante
L'amour s'en va
Comme la vie est lente
Et comme l'Espérance est violente

Vienne la nuit sonne l'heure
Les jours s'en vont je demeure

Passent les jours et passent les semaines
Ni temps passé
Ni les amours reviennent
Sous le pont Mirabeau coule la Seine

Vienne la nuit sonne l'heure
Les jours s'en vont je demeure

The Pont Mirabeau

Under the Pont Mirabeau the Seine
Flows with our loves
Must I recall again?
Joy always used to follow after pain
Let the night come: strike the hour
The days go past while I stand here

Hands holding hands let us stay face to face
While under this
Bridge our arms make show race
Long looks in a tired wave at a wave's pace
Let the night come: strike the hour
The days go past while I stand here

Love runs away like running water flows
Love flows away
But oh how slow life goes
How violent hope is nobody Knows
Let the night come: strike the hour
The days go past while I stand here

The days pass and the weeks pass but it vain
Neither time past
Nor love comes back again
Under the Pont Mirabeau flows the Seine
Let the night come: strike the hour
The days go past but I stay here

ترجمه محمد علی سپانلو

زیر پل میرابو رود سن می گذرد
 آیا باید به یاد عشقهای مان بیفتیم
 همیشه شادی پس از رنج می آمد
 شب می آید ساعت زنگ می زند
 روزها می روند من می مانم
 دست دردست و چهره به چهره بمانیم
 چندان که زیر پل بازوان ما
 موجی خسته از نگاههای ابدی بگذرد
 شب می آید ساعت زنگ می زند
 روزها می روند من می مانم
 عشق چونان آب روان می رود
 عشق می رود
 چقدر زندگی کند گذر است
 و چقدر امید تندگذر
 شب می آید ساعت زنگ می زند
 روزها می روند من می مانم
 روزها می گذرند و هفته ها می گذرند
 نه دوران گذشته
 نه عشقها برمی گردند
 زیر پل میرابو رود سن می گذرد
 شب می آید ساعت زنگ می زند
 روزها می روند من می مانم

ترجمه دکتر پرویز خانلری

زیر پل رود روان می گذرد
 عشق های من و تو
 راستی باید از آن یاد آورد؟
 بود پیوسته نشاط از پی درد
 شب بیاید بزند ساعت زنگ
 روزها رفت و مرا هست درنگ
 دست در دست هم و روی به روی
 باش تا درگذرد
 زیر بازوی دو یار
 رود کز دیدن خلق آزرده ست
 شب بیاید بزند ساعت زنگ
 روزها رفت و مرا هست درنگ
 عشق چون رود روان درگذر است
 عشق اندر گذر است
 گذرد عمر چه کند
 آرزو لیک چه تیز است و چه تند
 شب بیاید بزند ساعت زنگ
 روزها رفت و مرا هست درنگ
 روز و هفته همه بگذشت دریغ
 نه زمانی که گذشت
 بازگردد، نه دلی کز کف رفت
 زیر پل رود روان می گذرد
 شب بیاید بزند ساعت زنگ
 روزها رفت و مرا هست درنگ

